هو

در محفل شور مفتوح گردد

هواللّه

ربّ و مؤیّد کلّ جمع انعقد لاعلآء کلمة رحمانیّتک و موفّق کلّ عصبة اتّفقت علی خدمة عتبة فردانیّتک اسألک بجمالک المتستّر فی عوالم غیبک الأبهی ان تشمل هؤلآء لحظات عین رحمانیّتک و تؤیّدهم بشدید القوی و تشدّد ازرهم بقوّتک النّافذة الجاریة فی کلّ الأشیآء انّک انت سمیع الدّعآء و انّک لعلی کلّ شیء قدیر

الیوم محفل شور را اهمّیّت عظیمه و لزومیّت قویّه بوده و بر جمیع اطاعت فرض و واجب علی‌الخصوص که ارکان ایادی امر هستند ولی باید بنوعی مذاکره و مشاوره کرد که اسباب کدورتی و اختلافی فراهم نیاید و آن اینست حین عقد مجلس هر یک بکمال حرّیّت رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید اگر دیگری مقاومت میکند ابداً او مکدّر نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقهٔ حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است در نهایت مذاکره اگر اتّفاق آراء حاصل گردد فنعم المراد و اگر معاذاللّه اختلاف حاصل شود باکثریّت آراء قرار دهند و چون قراری از قرارهای شور را احبّا یا بعضی استنکاف نمایند اجزاء با کسی معاتبه و مجادله ننمایند سکوت کنند و باین عبد مرقوم دارند و دیگر آنکه مذاکرهٔ در محفل شور را کسی نباید نقل کند و در بدایت اجتماع باید طلب توفیق خاصّ بجهت اعلیحضرت شهریاری نمایند و التماس تأیید تام بجهت حضرت صدارتپناهی کنند و ابداً در مجلس شور از امور سیاسیّه دم نزنند بلکه جمیع مذاکرات در مصالح کلّیّه و جزئیّه اصلاح احوال و تحسین اخلاق و تربیت اطفال و محافظهٔ عموم از جمیع جهات باشد و اگر چنانچه نفسی بخواهد کلمه‌ئی از تصرّفات حکومت و اعتراضی بر اولیای امور نماید دیگران موافقت ننمایند زیرا امر اللّه را قطعیّاً تعلّق بامور سیاسیّه نبوده و نیست امور سیاسیّه راجع باولیای امورست چه تعلّقی بنفوسی دارد که باید در تنظیم حال و اخلاق و تشویق بر کمالات کوشند باری هیچ نفسی نباید که از تکلیف خود خارج شود ع ع

هواللّه

اوّل فریضهٔ اصحاب شور خلوص نیّت و نورانیّت حقیقت و انقطاع از ما سوی اللّه و انجذاب بنفحات اللّه و خضوع و خشوع بین احبّا و صبر و تحمّل بر بلا و بندگی عتبهٔ سامیهٔ الهیّه است و چون باین صفات موفّق و مؤیّد گردند نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید

ثانی فریضه اثبات وحدانیّت جمال غیب ابهی و مظهریّت کاملهٔ ربّانیّهٔ حضرت نقطهٔ اولی و عبودیّت محضهٔ صرفهٔ ذاتیّهٔ کینونیّهٔ باطنهٔ حقیقیّهٔ صریحهٔ عبدالبهآء بدون شائبهٔ ذکری دون آن و هذه غایتی القصوی و منتهی معارجی العلیا و جنّتی المأوی و هی نور وجهی و منیة قلبی و شفآء صدری و قرّة عینی و روآء غلّتی و برد لوعتی و برء علّتی و من اعتقد بغیر هذا فقد خالف عبدالبهآء

ثالث فریضه ترویج احکام الهیّه در بین احبّا از صلاة و صیام و حجّ و حقوق و سائر احکام الهیّه بالتّمام و همچنین دائماً تشویق و تحریص کلّ احبّا بموجب نصوص قاطعهٔ الهیّه بر اطاعت و خدمت سریر سلطنت عادلهٔ شهریاری و صداقت و امانت در خدمات اعلیحضرت دادپرور تاجداری و تمکین از اولیای امور حکمرانی

رابع فریضه حفظ و صیانت عموم احبّا در جمیع موارد و مواقع و تمشیت امور عمومیّه از قبیل تربیت اطفال و تهذیب اخلاق و تعلیم علوم نافعه از جمیع جهات و تأسیس مدارس و مکاتب بجهت ذکور و اناث و تکفّل فقرا و ضعفا و صغار و ایتام و ارامل و ایامی و تدبیر وسائط صنعت و کسب و توسیع احوال عموم

خامساً منع عموم از آنچه سبب فتنه و فساد و عدم مداخلهٔ در امور سیاسیّه بالکلّیّه و عدم مکالمه در این خصوص ولو بشقّ شفه و دلالت بر تمکین در جمیع احوال و سکون و محبّت و دوستی با عموم

سادساً مدارا با اهل فتور و تشبّث بجمیع وسائل در ارجاع آن نفوس بر میثاق حضرت رحمن ع ع

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر